



عمده مواجهه با فضای اینترنت با تکیه بر یک سواد روشن صورت نمی گیرد

پیش از اینکه فضای مجازی و اینترنت بتوانند ایجاد کننده سواد و یا بی سواد باشند، مقدمه و مسائلی وجود دارند که ما نمی توانیم نسبت به آن ها بی تفاوت باشیم.

پیش از اینکه فضای مجازی و اینترنت بتوانند ایجاد کننده سواد و یا بی سواد باشند، مقدمه و مسائلی وجود دارند که ما نمی توانیم نسبت به آن ها بی تفاوت باشیم.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه- سامان سفالگر: تقریباً اغلب صاحب نظران سرشناس جهان اجماع نظر دارند که اینترنت و فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، همه و همه انقلاب هایی جدی را در زندگی بشر ایجاد کرده اند و در نوع خود تغییرات مهمی را در زندگی بشر به وجود آورده اند. تغییراتی که سبک زندگی انسان ها را به نحو قابل ملاحظه ای دستخوش تحول کرده اند و الگوهای فکری و گفتمانی و رفتاری خاصی را در زندگی بشر حاکم کرده اند. در این چهارچوب، به طور خاص عده ای این سوال را مطرح می کنند که آیا فضای مجازی و شبکه های اجتماعی می توانند می توانند غلبه بر مشکل و چالش بی سواد را به همراه داشته باشند یا خیر خود موجب گسترش بی سواد می شوند؟ البته که مقصود از سواد در این سوال بر ابعاد مختلف این پدیده تاکید دارد و طیفی از مهارت ها و دانش مورد نیاز بشر در حوزه های گوناگون جهت برخورداری از یک زندگی بهتر را مورد اشاره قرار می دهد. باید توجه داشت که عمده بحث و تحلیل ها در این رابطه ماهیت سیاه و سفید نیز ندارند و درست هم همین است که مساله نگاه حداکثری وجود نداشته باشد. از این رو، در گفتگو با نسیم احمدی به واکاوی چند علامت سوال مهم در رابطه با این پرسش های فوق پرداختیم که بخش اول آن را می خوانید:

*در جهان کنونی با توسعه و گسترش قابل توجه شبکه های اجتماعی و اینترنت و به طور کلی فضای مجازی رو به رو هستیم. در حقیقت آن ها به موضوعاتی همه گیر و شایع در جهان فعلی تبدیل شده اند که گروه های مختلف جمعیتی به ویژه نوجوانان و جوانان با آن ها ارتباط گرفته و می گیرند. در این نقطه یک سوال مهم مطرح می شود و آن این است که آیا این ابزارها می توانند موجب غلبه بر مشکل بی سواد شوند یا برعکس خودشان موجب بی سواد می شوند؟

قبل از اینکه به این سوال پاسخ داده شود باید این مساله را مورد توجه قرار دهیم که در استفاده از هر پدیده ای، فرهنگ استفاده از آن مؤلفه ای بسیار مهم است. تردیدی نیست که فضای مجازی و اهرم های مختلف مطرح در قالب آن از ظرفیت های مثبت و زیادی برخوردار هستند و می توانند نقشی مثبت در زندگی بشر بازی کنند. با این حال، شاید یک از نکات مهم در مورد فضای مجازی و شبکه های اجتماعی این باشد که تقدم فرهنگی در رابطه با آن ها رعایت نشده است.

البته که این مساله صرفاً هم در این حوزه مطرح نیست و در طیف دیگری از مادیوم ها و پدیده ها نیز شاهد پدیده ای مشابه هستیم. همین تاخر فرهنگی که در رابطه با اینترنت و فضای مجازی شاهد هستیم، در نوع خود سبب شده تا در بحث سواد مواجهه با این پدیده ها با مشکل و چالش رو به رو باشیم. به بیان ساده تر، عمده مواجهه با فضای اینترنت و شبکه های اجتماعی، به ویژه از سوی نسل Z، از سر آگاهی و با تکیه بر یک سواد روشن و چهارچوب دار صورت نمی گیرد. این معادله خود هزینه های زیادی را به همراه دارد که تاکنون تحلیل و تفسیرهای مختلفی در این رابطه از سوی آسیب شناسان اجتماعی و دیگر متخصصان مرتبط مطرح و منتشر شده است.

در این چهارچوب، وقتی سواد استفاده و برخورداری از شبکه های اجتماعی و مواجهه درست با فضای مجازی به قدر کافی در افراد ایجاد نشده و ته نشین نگردد، اینکه تصور کنیم می توانیم از شبکه های اجتماعی برای غلبه بر مشکل بی سواد استفاده کنیم، چندان منطقی نیست. این موضوع یک چالش بین المللی است. از این رو، نکته اصلی مورد تاکید این است که باید بدانیم نقطه شروع بحث آن چیزی نیست که شما در سوال خود مطرح کردید بلکه پیش از اینکه فضای مجازی و اینترنت بتوانند ایجاد کننده سواد و یا بی سواد باشند، مقدمه و مسائلی وجود دارند که ما نمی توانیم نسبت به آن ها بی تفاوت باشیم.

*با توجه به آنچه گفته شد، وضعیت کنونی را در رابطه با سوالی که مطرح شد چگونه می بینید؟

برای پاسخ به این پرسش مایلیم به طبقه ای اشاره کنم که شاید کمتر در مورد آن شنیده باشیم. طبقه ای وجود دارد که این طبقه به شدت در بخش ها و کشورهای توسعه یافته جهان در حال رشد است. به عنوان مثال در ژاپن یا آمریکای شمالی و همچنین اروپا، شاهد افزایش قابل توجه اعضای این طبقه هستیم. این طبقه از نوجوانان و جوانانی تشکیل می شود که نه به دنبال تحصیل هستند، نه دنبال مهارت آموزی هستند و نه اساساً به دنبال کار هستند.

به نظر می‌رسد این طبقه را باید در نقطه مقابل جامعه نخبگانی قرار داد. نوجوانان و جوانانی که در این طبقه قرار می‌گیرند، در نوعی وضعیت مبهم هستند که به نظر می‌رسد بزرگ‌تر و گسترده‌تر شدن اعضای این طبقه نسبت مستقیمی با سوالی که شما مطرح می‌کنید دارد. اینکه این طبقه حجیم و گسترده شده یعنی طیف‌های قابل توجهی از جمعیت نوجوان و جوان جهان که با اینترنت و فضای مجازی انس دارند، بیش از آنکه به ظرفیت‌های مثبت این فضا توجه داشته باشند، در بخش منفی آن غرق شده‌اند و بسیاری از تئوریسین‌های اجتماعی بر این باورند که این مساله می‌تواند بحران‌های سیاسی و اجتماعی را در جوامع مختلف که اعضای این طبقه در آن‌ها حضور دارند، ایجاد کند. البته که جریان‌های هدایت‌کننده و نفع‌برنده از این چالش منفی نیز در این رابطه کنشگری محوری و قابل توجهی را دارند. آن‌ها به طور طبیعی ایده‌هایی را مطرح می‌کنند که برای به ویژه نسل‌های جوان کاملاً جذاب و گیرا باشند.

اینکه می‌بینیم چالش‌هایی نظیر جرایم سایبری و بزهکاری‌های مرتبط با فضای سایبر و یا متأثر از آن در سال‌های اخیر اوج‌گیری قابل توجهی داشته، به معنای این است که ابعاد منفی و مخرب فضای مجازی و اینترنت حقیقتاً جدی است و بی‌تفاوتی به آن‌ها به شدت چالش‌زا شده است. این نافی ابعاد مثبت اینترنت و فضای مجازی نیست. در حقیقت بحث صفر یا صدی مطرح نیست. جالب است که اکنون یکی از مهمترین دستاوردهای کارهایی که حتی در کشورهای غربی وجود دارد این است که به طریقی امکانات لازم برای حکمرانی فضای مجازی ایجاد و مستقر شود. به بیان ساده‌تر، به قدری چالش‌ها و نابسامانی‌ها در این فضا اوج گرفته‌اند که حکمرانی این حوزه به یک دغدغه مهم و قابل توجه و در حقیقت به یک باید تبدیل شده است.

*چرا استفاده منفی از حوزه‌ای نظیر فضای مجازی برای افراد از جذابیت برخوردار است؟

شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل آن این باشد که اساساً بی‌قانونی و یا بهتر بگوییم میل به بی‌قانونی، یک گرایش غالب در ناخودآگاه ذهن انسان‌ها است. در این رابطه، می‌بینیم که در حوزه روابط بین‌الملل، تئوریسین‌های این رشته علمی که به مکتب واقع‌گرایی اعتقاد دارند به صراحت می‌گویند که ذات بشر شریر است و همین مساله سبب می‌شود که در وهله نخست، بشر در مواجهه با پدیده‌های مختلف، به بُعد منفی آن توجه داشته باشد. حامیان این ایده بر این باورند که اساساً پدیده قانون نیز به این دلیل در جوامع بشری جا باز کرد زیرا بدون آن، انسان‌های سیری‌ناپذیر، امکان تعامل منطقی را از دست می‌دانند و موجی از هرج و مرج و ناآرامی زندگی بشر را در بر می‌گرفت.

البته واضح است که در هر جامعه‌ای برخی افراد هستند که گرایش‌های منفی و مجرمانه دارند و این کاملاً طبیعی است. با این حال، نکته‌ای که من به آن اشاره می‌کنم این است که وقتی مثلاً می‌بینیم طبقه‌ای نظیر طبقه‌ای که اشاره شد اوج‌گیری قابل توجهی در کشورهای اقصی نقاط جهان پیدا می‌کند و این طیف‌ها با فضای مجازی و اینترنت نیز انس زیادی دارند، بایستی به نحوی روشن و جدی و کارشناسانه به این سوال پاسخ داده شود که چرا امکانات مهمی نظیر فضای مجازی و اینترنت نمی‌توانند در شکل‌دهی به رفتارهای مثبت برای افراد ایفای نقش کنند؟ چرا اکنون در اغلب حوزه‌های مطرح در فضای مجازی، با حفره‌ها و چالش‌های جدی رو به رو هستیم که مدام در مورد آن‌ها هشدار داده می‌شود؟